



<p><b>سیاوش صفاریان پور</b> مجری و تهیه‌کننده</p> <p><b>Twitter</b></p>	<p><b>علیرضا زاکانی</b> شهردار تهران</p> <p><b>Twitter</b></p>	<p><b>محمد مهدی اسماعیلی</b> وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی</p> <p><b>Twitter</b></p>	<p><b>سیدعباس صالحی</b> وزیر پیشین ارشاد</p> <p><b>Twitter</b></p>	<p><b>زهرا چخماقی</b> خبرنگار صداوسیما</p> <p><b>Twitter</b></p>
---	--	--	--	--

با نادر طالب‌زاده درباره مستندسازی تلویزیونی صحبت می‌کردیم. یک‌جا از او پرسیدیم چرا اینقدر احم می‌کنید؟ با همان احم گفت «الان دارم می‌خندم، نمیبینی؟» متعجب نگاهش کردم، یه‌وز زیر خنده. اختلاف دیدگاهمان به جهان کم نبود، با این حال همیشه در یادم خواهد ماند.

نادر طالب‌زاده حق بزرگی بر جریان رسانه‌ای و مستند ساز انقلابی کشور دارد. چهار دهه تلاش رسانه ای او برای ترویج گفتمان مقاومت ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی در خارج از ایران، نشانه باور عمیقش به آرمان های امام راحل بود روحش شاد

حاج نادر عزیز، هنرمند تراز انقلاب و مدافع دیرین آرمان قدس در روز قدس به دیدار حق شتافت. سردار بی مثالی که سالها در جبهه فرهنگی انقلاب، جنگید و تا پای جان بر آرمان خویش استوار ماند. او اینک در جوار معبود، میهمان برادر شهیدش سید مرتضی آوینی است.

نادر طالب زاده به تنهایی یک رسانه بود، پرتکاپو و تاثیرگذار. درگذشت او را به اصحاب رسانه و تصویر و جبهه مقاومت و انقلاب تسلیت می گویم.

تلخ تر از هر خبر و غم انگیزتر از هر غروب جمعه... از پیش مان رفت مثل نامش نادر بود، غنیمت بود، استاد بود نادر طالب زاده

## جشنواره فیلم عمار چگونه تاسیس شد؟

# یک رویداد مردمی در سینمای ایران

طالب زاده سینما خوانده بود، آن هم در آمریکا یعنی کشوری که قلب هنر صنعت سینما در جهان شناخته می‌شود. به همین دلیل دانش و احاطه او به موضوع سینما، محدود به دیدن فیلم یا تجربه‌های محدود فیلمسازی نبود بلکه او بیشتی عمیق درباره موضوع سینما و نیز وائمایی رسانه‌ای در دوران مدرن داشت. به همین دلیل نقش و اهمیت راهبردی سینما را برای پیشبرد ایده‌های جهان بینی‌های مختلف می‌دانست. او به ذات سینمای ایران واقف بود و می‌دانست در حلقه‌های مختلف تولید و توزیع سینمای ایران، جریان‌ی قرار دارد که با جمهوری اسلامی و تفکر امام سازگاری چندانی ندارد. طالب‌زاده و گروهی از همفکرانش در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیدند که باید نظام فعلی سینمای ایران را تغییر دهند. این تغییر البته ساده نبود و نیست، جنگیدن با سینمای بدنه که شبکه پیچیده

### نگاه

## عروج تدریجی یک «نادر»



سعیدالامی

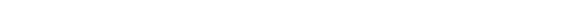
کارشناس فرهنگی  
و دانشجو دکتری  
مدیریت رسانه

یکی از بهترین‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی از میان ما رفت و آسمانی شد. کسی که می‌توان به جرات در حوزه رسانه‌های تصویری این جبهه، از او به عنوان فردی مولف، مربی و در تعبیری کلان‌تر نظریه‌پرداز یاد کرد. بزرگمردی که عمیق و مصمم به پای آرمان‌های انقلابی خویش ایستاد و با وجود انواع کارشکنی‌ها، محدودیت‌ها، ممانعت‌ها، تحقیرها و تخریب‌ها و حتی اتهامات و انتساب‌های مغرضانه، دست از فعالیت برنداشت و تا واپسین روزهای عمر بابرکت خود، هوشمند و هدفمند راه برای نسل پویا و عدالتخواه ایران مهدوی هموار ساخت. نادر طالب‌زاده با تحمل چند سال بیماری سخت و متناوب در حالی دارفانی را وداع گفت که نگاه راهبردی و کلان‌محور او همواره مورد تحسین و ستایش بود.

پرهیز از پرداختن به حواشی غیرمفید و افق نگاهی دوراندیشانه به ضرورت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در سراسر جهان، از جمله ویژگی‌هایی او بود.

به زعم نگارنده، همین رویکرد در طول چهار دهه حضور وی در عرصه‌های مختلف فرهنگی و رسانه‌ای موجب شد طالب‌زاده نه تنها در عرصه حرفه‌ای به‌عنوان یک مجری، برنامه‌ساز تلویزیونی، کارگردان مستند و فیلم‌های سینمایی، نویسنده و مترجم و مدیرفرهنگی از جمله در رسانه ملی، جشنواره فیلم عمار، کنفرانس بین‌المللی افق نو...، شناخته شود، بلکه از خود چهره‌ای محبوب و دل‌سوز دین و میهن، در ذهن و قلب علاقه‌مندان انقلاب اسلامی در داخل و خارج کشور به یادگار باقی بگذارد.

درک صحیح از گفتمان انقلاب اسلامی و توجه به دایره بسطی آن مطابق نظر امام راحل و رهبر معظم انقلاب و در عین حال تسلط او بر قواعد تکنیکی فعالیت در عرصه رسانه، می‌تواند او را به الگویی ماندگار برای جوانان مشتاق انقلاب و ولایت مبدل کند تا در عین تقویت نگاه کنج‌گاو و مطالبه‌گرانه خود، نواندیشی و عقلانیت، روشنگری و آزادیخواهی، آرامش و تحمل سخنان مخالف و در نهایت روشنفکری نوین و متعال دینی را به دور از تجحرات و وادادگی‌های مرسوم در خود نهادینه کنند. «نادر» با دانش و مطالعه حرفه‌ای و اشرافیت اطلاعاتی بر همه اتفاقات و حوادث پیرامونی خود، آگاه زیست و هرگز محصولی را تولید نکرد و حرفی را نگفت که بر آن اعتقاد نداشت و این خصیصه دینی و کمپاب، او را از همان ابتدای انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس در مسیر عروجی معنوی و ملکوتی قرار داد تا به این روزها که سرانجام در روز جهانی قدس و روز زبونی دشمن صهیونیسم، شهد شیرین وصال یار را تجربه کند.... روحش شاد.



سیدرضا صائمى در ۴ شهریور ۱۳۸۹ به بهانه برنامه موفق «راز» با اجرای زنده‌یاد نادر طالب‌زاده با این هنرمند و چهره موفق رسانه‌ای گفت‌وگویی تفصیلی انجام داد که بخش‌هایی از آن در ادامه می‌آید.

به دلیل چهره ظاهری‌ام خیلی از آمریکایی‌ها و هم‌کلاسی‌هایم نمی‌دانستند که من ایرانی هستم. جالب است که سال سوم دانشگاه که بردارم به دیدن آمده بود و من با او فارسی صحبت کردم، هم‌کلاسی‌هایم تعجب کردند و پرسیدند این دیگر چه زبانی است که با او صحبت می‌کنی. من ۵ سال در روستاها و شهرهای کوچک آمریکا زندگی کردم و این خیلی به من کمک کرد تا با لایه‌های درونی‌تر نظام اجتماعی آمریکا ارتباط داشته باشم و به من کمک کرد که اتفاقا با وجوه انسانی فرهنگ آمریکایی و مردم آن آشنا شوم و چشمم را به خوبی‌های آنجا بیندم. اما به این معنا نیست که دولت و نظام سیاسی آمریکا را از خصلت‌های استکباری میرا کنیم. اتفاقا خود آمریکایی‌ها و بسیاری از روشنفکران‌شان نیز این واقعیت را قبول دارند. من چیز متفاوتی از آنها نمی‌گویم. من پس از تجربه زندگی آمریکایی با تفکرات امام و اسلام متعهدانه آن آشنا شدم و احساس کردم که این فرهنگ خیلی عمیق‌تر و قوی‌تر است. این‌که ما در برخی از مسائل از جمله تکنولوژی، نظم و قانون و پیشرفت‌های مادی از آنها عقب‌تریم، شکی نیست اما از حیث زیربنای فکری و جهان‌بینی و ساختار فرهنگی و معنایی، ما خیلی جلوتر از آنها هستیم و لزومی ندارد که تمام و کمال معرוב آنها شویم. الان هم اگر غرب را نقد می‌کنیم با رویکردی منصفانه است نه متعصبانه. ضمن این‌که آنها به‌شدت به معارف و اندیشه‌های ما نیازمند هستند و اتفاقا خیلی هم تمایل دارند که این حرف‌های تازه را بشنوند. فقط باید کسانی از

فرهیختگان و اندیشمندان ما این اندیشه و جهان‌بینی را برای آنها ترجمه کنند. یکی باید برای آنها ترجمه کند که در این ۳۰ سال چه اتفاقی در ایران رخ داده است. رسالت بزرگ رسانه‌های ما این است که دست به این ترجمه بزنند و از همه ظرفیت‌های رسانه‌ای برای این کار استفاده کنند. ما در عصری به سر می‌بریم که به‌شدت به ابزارهای ارتباطی و تعامل با جهان نیازمندیم.

این یک واقعیت است که از حیث رسانه‌ای دست ما خیلی بسته است. ضمن این‌که قدرت‌های جهانی نیز این فرصت و امکانات را در اختیار ما قرار نمی‌دهد. شما می‌خواهید یک ویزای مطبوعاتی بگیرید با هزاران مشکل و مانع مواجه می‌شوید و اصلا آنها نمی‌خواهند این ارتباط و تعامل فرهنگی و رسانه‌ای برقرار شود. در حال حاضر رسانه‌های برون مرزی ما نمی‌توانند به‌راحتی با مسوولان کشورهای خارجی مصاحبه کنند و تن به گفت‌وگو و مصاحبه نمی‌دهند. در واقع بخشی از ناکارآمدی رسانه‌ای ما در مناسبات بین‌المللی به دلیل بایکوت‌کردن فضای رسانه‌ای از سوی قدرت‌های استکباری است.

وقتی هیولاهای رسانه‌ای وارد کشور ما شده‌اند دیگر نمی‌توان با سربازان غیرحرفه‌ای به مبارزه با آن رفت و رسانه ما به‌ویژه رسانه ملی باید از توان و تخصص افراد کارشناس و حرفه‌ای استفاده کنند تا این واقعیت به یک معضل و بحران تبدیل نشود. اینجا همان جایی است که من به رسانه‌های خودی و عملکرد آنها نقد دارم و معتقدم که اگر کار را به کاردان بسپاریم جای هیچ نگرانی نیست. اینجا همان اژدها کشانی هستند که می‌توانند از پس این هیولا برآیند. الان ۳ نفر از همکاران مستندساز من که بسیار هم



طالب زاده درباره اهمیت مستند و ایده برگزاری جشنواره‌ای برای سینمای مستند را در دیدار با رهبر انقلاب اسلامی در سال ۸۸ بیان کرده بود که برای دیدن صحبت‌های او، می‌توانید این کد را اسکن کنید.



به هم زدن قواعد بازی «حاشیه ـ مرکز» حدود ۲۰ اثر را همزمان در ۳ نقطه ایران اکران کرد. این رویکرد در همه دوره‌های بعدی جشنواره ادامه یافت و مستحکم‌تر از قبل ادامه یافت. طالب زاده در دوران مختلف برگزاری جشنواره، یکی از چهره‌های اصلی در ایده پردازی و برگزاری مراسم دچار و به واسطه حضوری در این جشنواره، اتفاقات مهمی هم در آن افتاد.

### فلاش بک

بازخوانی گزیده‌ای از گفت‌وگوی ۱۲سال پیش جام جم با طالب‌زاده

## مبارزه رسانه ای، سربازان حرفه ای می‌خواهد

در کار خود حرفه‌ای هستید، یکبارند و فرصت کارکردن به آنها داده نمی‌شود. خب چگونه می‌توان انتظار داشت که در این جنگ رسانه‌ای، پیروز بیرون بیایم؟ یا مثلاً به پخش سریال‌ها و فیلم‌هایی دست می‌زنیم که خنثی بوده و صرفاً جهت سرگرمی مخاطب ساخته شده‌اند ولی از آن طرف شعار می‌دهیم که می‌خواهیم پیام انقلاب را صادر کنیم. متأسفانه به کارگردان‌هایی مجال کار داده می‌شود که تعهدی به انقلاب ندارند و اصلا دغدغه آنها یک دغدغه انقلابی نیست. خب در چنین جوی، چگونه می‌توان به رقابت و مقابله با هجمه‌های رسانه‌ای دشمن پرداخت. ما در یک وضعیت تاریخی قرار گرفته‌ایم که از حیث تکنولوژی رسانه‌ای ضعیف‌تر از غرب هستیم پس به لحاظ فرمی از توان رقابت کمتری برخورداریم لذا فقط از طریق محتوا و مضمون است که می‌توانیم به رقابت با آنها پرداخته و قدرت رقابت در جذب مخاطب داشته باشیم. ولی این امکان در ساحت رسانه‌ای ما فراهم نیست. شما ۱۰ شب بهترین فیلم‌های سینمایی آمریکا را نمایش دهید و در همین مدت هم ۲ ساعت برنامه به من بدهید ببینید که آیا می‌شود با آنها رقابت کرد یا خیر؟ به نظر من کار رسانه را باید به متخصصان رسانه‌ای سپرد تا نتیجه کار را دید.



### سکانس ماندگار

## لحظه شهادت نادر طالب زاده

حضرت عیسی (ع) را ـ البته با توجه به همان کلیشه چهره در غرب ـ بازی کند اما ظاهراً میل و رغبتی به بازی نداشت که کل حضورش در بازیگری فقط به دو فیلم خلاصه می‌شود. از نکات قابل اشاره دیگر این‌که در همین فیلم تویی که نمی‌شناختمت هم جلال مقامی، گوینده برجسته به جای طالب‌زاده صدایپیشگی و وقار و آرامش شخصیت را بیشتر می‌کند.

همان‌طور که در دنیای واقعی، طالب‌زاده عاشق شهادت و مکتب شهید آوینی بود و برخی همسنگران‌ش در جبهه فرهنگی انقلاب اعتقاد به شهادت او دارند، در تویی که نمی‌شناختمت و در قالب نقش هم شهید می‌شود، آن هم نه بعد از آن همه حضور در منطقه جنگی بلکه درست هنگام برگشت به خانه و بادست مجروح و جلوی چشمان دختر خردسالش، نقش دخترش را هم در فیلم، مهسا کرامتی بازی می‌کرد که این روزها با وجود قدکشیدن، چهره‌اش با داوران کودکی مومن‌ی زند.

در کارنامه سینمایی زنده یاد نادر طالب زاده، دو فیلم هم به عنوان بازیگر به چشم می‌خورد، یکی فیلم پرجاشیه «لاله» ساخته اسی نیک نژاد که تولید آن تقریباً کل دهه ۹۰ طول کشید و آن یکی هم فیلم جنگی و دفاع مقدسی «تویی که نمی‌شناختمت» ساخته ابراهیم سلطانی‌فر و محصول سال ۱۳۶۹. با وجود این‌که ممکن است پرداخت این فیلم قدیمی حالا دیگر چندان جنگی به دل زنده امانی توان ارزش‌های مضمونی و محتوایی آن را نادیده گرفت. فیلم با نگاهی به سه داستان از سیدمهدی شجاعی ساخته شد. همچنین بازی زنده یاد نادر طالب‌زاده در نقش فرماندهی رتوف، مهربان، همدل و همراه به نام حاج آقا موسوی، جالب و قابل اشاره است. طالب‌زاده چهره‌ای جذاب و دلنشین داشت و از ظرفیت فراوانی برای بازیگری داشت. حتی اگر آن فیلم / سریالش بشارت منجی / مسیح را در سال‌های جوانی کارگردانی می‌کرد، خودش هم می‌توانست جلوی دوربین برود و نقش

**یادداشت**

**راه طالب‌زاده در جبهه فرهنگی انقلاب ادامه دارد**

مرحوم طالب‌زاده همواره تلاش می‌کرد یک جبهه منسجم فرهنگی برای انقلاب ایجاد کند و البته ثمره تلاشش هم نمودهایی پیدا کرد. گرچه این جبهه هنوز صددرد شکل نگرفته اما ایشان از جمله افرادی است که کام‌های مؤثری برای این جبهه برداشت. شناختی که از مسائل مختلف فرهنگی و سیاسی در ابعاد داخلی و بین‌المللی داشت، او را به چهره شاخصی تبدیل کرده بود که می‌توانست نقش رهبری جبهه فرهنگی را به عهده بگیرد. متأسفانه زنده یاد طالب‌زاده فرصت پیدا نکرد به شکل کامل، این اتفاق را عملیاتی کند اما کام‌های مؤثرش انکارناپذیر است.

تحریم او توسط آمریکا نتیجه میزان اهمیت و تاثیرگذاری اوست. بر همگان واضح است آمریکا هر زمان احساس کند کسی در برابرش ایستاده که می‌تواند به شکل مؤثری روی افکار عمومی به‌ویژه در بعد فرهنگی تأثیر بگذارد در برابرش ایستادگی می‌کند. ایشان هم به دلیل شناخت عمیقی که از ماهیت غرب داشت و به‌خوبی نقاط ضعف سیاسی و فرهنگی غرب را دریافته بود آن را در برنامه‌های تلویزیونی و مستندهایش معرفی می‌کرد و به همین دلیل زیر ذره‌بین رفته و آمریکایی‌ها را به وحشت انداخته بود و طبیعی بود هرکسی که با منطق و استدلال قوی بتواند فرهنگ و سیاست‌های غرب را به چالش بکشاند آنها با او مخالف می‌شوند و تحریمش می‌کنند. در واقع می‌توان گفت هرکاری از دست‌شان برآید انجام می‌دهند که او را از صحنه حذف کنند؛ شاید این ترور بیولوژیکی واقعا اتفاق افتاده باشد.

اما شهید آوینی‌ها و طالب‌زاده‌ها همچنان هستند. مطمئن باشید در جبهه فرهنگی انقلاب، راه این شهدا ادامه داده می‌شود و این تفکر در قالب و افکار انسان‌های شریف دیگری حضور دارد اما بسیاری از اینها وقتی شناخته می‌شوند که مانند نادر طالب‌زاده از دنیا بروند یا مانند شهید آوینی به شهادت برسند و درنتیجه یک نقطه عطفی به وجود بیاید که به جامعه معرفی شوند.

این جریان در بچه‌های حزب‌اللهی و انقلابی وجود دارد و اینها هستند تا راه شهید آوینی و طالب‌زاده را ادامه دهند اما شاید این فعالیت‌ها به گونه‌ای نباشد که ابعاد رسانه‌ای پیدا کند. در حالی که در میان بچه‌های انقلابی نیروهای بسیاری وجود دارند که آتش به اختیار تلاش خود را می‌کنند اما ضروری است تلنگری به سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگی هم بزنیم که درها را باز کنند. دستگاه‌ها و سازمان‌های مؤثری همچون تلویزیون، سینما، وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری و حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی باید درها را روی نیروهای انقلابی باز کنند و منتظر نباشند تا نادر طالب‌زاده‌ها از دنیا بروند و بعد یادشان بیفتد که هنوز چنین افراد مؤثر و ارزشمندی داریم.

تلویزیون باید به اینها روی خوش نشان دهد. سازمان سینمایی و وزارت ارشاد باید درها را بگشاید. آن وقت ببینید چقدر شهید آوینی‌ها و طالب‌زاده‌ها وجود دارند. شهید آوینی وقتی شهید آوینی شد که یک گروه تلویزیونی مانند بنیاد روایت فتح از او پشتیبانی کرد تا توانست تولیداتش را به سرانجام برساند. در حال حاضر ما آوینی‌هایی داریم که پشت درهای بسته مدیران تلویزیون و سینما نشستند و کسی به آنها توجه نمی‌کند در حالی که اگر درها باز شود، یک جریان فرهنگی انقلابی شکل می‌گیرد و مطمئن باشید اثرات بین‌المللی ایجاد می‌کند.

برای دیدن سکانس شهادت زنده یاد نادر طالب‌زاده این کد را اسکن کنید.

